



سخنوری،

بایدها

و نبایدها

اینک برای هر کدام از این جنبه‌ها یک دسته بایدها و نبایدها را ذکر می‌کنیم. البته این فهرست بسته نیست و ما در صدد استقرای تام نبوده‌ایم و خوانندگان عزیز، خود می‌توانند موارد دیگری را به آن بیافزایند.

ظاهر کلام، بایدها و نبایدها

الف - بایدها

۱- درست سخن گفتن

رکن اصلی انتقال مفهوم و برقراری ارتباط با شنونده، سخن گفتن به صورت درست و برحسب قواعد زبان است.

خطبایی موفقد که در بیان‌شان از نظر دستوری یا غلط نیست یا کم است. وقتی سخنوری سخن می‌گوید و فعل و فاعل را به جای خود به کار نمی‌برد و یا جمله را با وجهی آغاز می‌کند و در وسط کلام، آن وجه را فراموش کرده و فعل را به وجهی دیگر می‌آورد یا جمله را به اندازه‌ای طولانی می‌کند که شنونده، آغاز آن را فراموش می‌کند، این ناورزیدگی در بیان، شنونده را خسته می‌کند.

متأسفانه در کشور ما بسیار اندکند

• دکتر غلامعلی حداد عادل

آنچه پیش رو دارید، متن سخنرانی دکتر حداد عادل است که در اجلاس حوزه و تبلیغ ایراد گردید و با اندکی تلخیص، تنظیم و ویرایش تقدیم حضورتان می‌گردد.

هر سخنرانی و خطابه‌ای را می‌توان از یک جهت به دو بخش صورت و ماده تقسیم کرد. سخنرانی، ظاهری دارد و باطنی، جسمی دارد و روحی، ظرفی دارد و مضروفی. هم ظرف باید شرایطی داشته باشد و هم مضروف، هم ظاهر و هم باطن، هم صورت و هم ماده.



عشق استفاده کنید، یک جا از مهر استفاده کنید، یک جا از محبت و یک جا از مودت، هر کدام این‌ها از نظر معنا با دیگری تفاوتی مختصر دارد که توجه به این تفاوت‌های مختصر سخن را ظریف‌تر و سخنران را توانا تر می‌کند.

۳- استفاده از ادبیات

خطیب نه تنها باید مهارت‌های زبانی داشته باشد بلکه باید از ادبیات در ضمن سخنرانی خود استفاده کند؛ یعنی، باید سخن را هنری و هنرمندانه عرضه کند. ادبیات جنبه‌ی هنری زبان است. استفاده‌ی به جا از شعر و تمثیل، کلام را شیرین و نمکین می‌کند و این مستلزم آشنایی خطیبی ارجمند با متون اصلی ادبیات فارسی است.

خطیب و مخصوصاً خطیب دینی باید در ذهن خود اشعار مناسب بسیاری حفظ داشته باشد و کلام خود را با استفاده‌ی به جا از ادبیات رنگین کند. فرق کلام آمیخته با ادبیات با کلام تهی از ادبیات مانند کتاب یا روزنامه‌ی معمولی با کتاب و روزنامه‌ی رنگی است. کلام ادبی بیشتر تأثیر می‌کند، البته به شرط آن که در رنگ آمیزی افراط نشود و آرایش کلام از حد نگذرد. چرا که در این صورت مانند افراط در هر آرایش دیگری نتیجه‌ی عکس می‌دهد.

کسانی که درست صحبت می‌کنند. در حالی که خطبای غیرایرانی مثل خطبای عرب یا سخنرانان فرنگی کمتر از سخنران‌های ما در کلام دچار اشتباه می‌شوند. معلوم می‌شود که در مدرسه‌های آن‌جا، در همان جوانی و نوجوانی فن بیان و درست و صحیح سخن گفتن را به آن‌ها خوب آموخته‌اند.

در کشور ما کسانی که بتوان سخنرانی آن‌ها را بدون ویرایش مفصل منتشر کرد، بسیار نادرند.

۲- تسلط بر کلام و لغت

سخنران باید یک ذخیره و خزانه‌ی سرشار از الفاظ در ذهن و زبان خود داشته باشد. به اصطلاح اهل فن، باید دایره‌ی واژگانی او بسیار وسیع باشد و بداند که برای هر مقصودی از چه کلمه‌ای استفاده کند. فی‌المثل، اگر شما در حافظه‌ی خود کلمات عشق، مهر، محبت، مودت، مهربانی و امثال این‌ها را داشته باشید، می‌توانید یک جا از





۴- آگاهی از تلفظ صحیح کلمات

خطبای ارجمند ناچارند در ضمن بیان خود، از اصطلاحاتی استفاده کنند و کلماتی را به کار برند که در عرف تحصیلات دینی و حوزویشان سابقه نداشته است.

امروزه که متأسفانه لغات خارجی در زبان فارسی فراوان وارد شده، ممکن است بعضی از ما تلفظ درست یک کلمه را ندانیم و اتفاقاً مخاطبان ما آشنایی زیادی با آن کلمه داشته باشند. در این صورت تلفظ غلط ما اثر بسیار بدی بر جا می‌گذارد.

در تهران چاپخانه‌ای به نام چاپخانه‌ی اُفت وجود دارد. نوعی از چاپ را اُفت می‌گویند. چاپخانه‌ی بزرگی است که کتاب‌های درسی و بسیاری از کتاب‌های مهم دیگر در آن جا چاپ می‌شود. یکی از کارمندان آن جا فوت شده بود. گوینده‌ای سخنرانی می‌کرد و می‌خواست اشاره کند که این متوقی تعلق به این مؤسسه داشته و از جانب کارگران و کارمندان تسلیت بگوید. او کلمه‌ی اُفت را اُفتت تلفظ کرد. برای کسی که این کلمه را نشنیده، چنین اشتباهی طبیعی است ولی همین اشتباه ساده، هواس همه‌ی شنوندگان را از همه‌ی آن مطالبی که گوینده گفته بود، به جانب دیگری معطوف کرد. در واقع آن‌ها چون خیلی با این کلمه آشنا بودند، حیرت کردند؛

خنده‌ای هم بر لب‌هایشان آمد و شاید بعد از مجلس هم با همدیگر گفته باشند که مثلاً آقا تا به حال این کلمه به گوشش نخورده بود. دقت کنیم که یک منبر کامل ممکن است با یک اشتباه جزئی و ساده به هدر رود.

۵- داشتن طرح

قبل از سخنرانی، نقشه‌ی ساختمان کلام خود را طراحی کنید که از کجا وارد شوید؛ کجا اقامت کنید؛ کجا درنگ کنید و کجا راه خروجی را باز کنید. مقید باشید که سخنرانی شما حتماً بر طبق یک نقشه‌ی از پیش اندیشیده باشد.

ب: نبایدها

به بعضی از آنچه یک سخنران باید از حیث ظاهر کلام از آن بپرهیزد و مراقب باشد که در کلامش به آن گرفتار نشود، اشاره می‌شود:

۱- کلیشه‌ای سخن گفتن

کلیشه‌ای سخن گفتن اثر منفی می‌گذارد. البته این خود حد و حدودی دارد. مثلاً، خطبه‌ی اول منبر یا سخنرانی عیبی ندارد که یک عبارت کلیشه‌ای و تکراری باشد اما اگر سخنرانی آکنده از عبارت‌های کلیشه‌ای باشد - اگر در گذشته هم می‌پسندیدند - امروزه جوان‌ها و عامه‌ی مردم این شیوه‌ی سخن گفتن را نمی‌پذیرند.

۲- غیر عادی سخن گفتن

به طور طبیعی سخن بگویید و راحت حرف بزنید. همان طور که با خانواده‌ی خودتان صحبت می‌کنید، با مردم و مستمعان خود سخن بگویید. دنبال این نباشید که سخنرانی شما حتماً یک سبکی داشته باشد. اگر راحت صحبت کنید، خود آن نحوه‌ی صحبت، سبک شما می‌شود و هر کسی راحت صحبت کردنش به یک طریق است. اما آگاهانه، عالماً و عامداً دنبال سبک خاص بخشیدن به سخنرانی خودتان نباشید. به صرافت طبع به طور طبیعی و عادی صحبت کنید و اجازه ندهید که هواس شنونده به جای این که معطوف به بیان شما شود، معطوف به سبک شما باشد و یک وقت ببینید همه‌ی مردم نشستند و به حرف‌های شما هم خوب گوش می‌دهند اما

● ادبیات جنبه‌ی هنری

زبان است. استفاده‌ی به جا

از شعر و تمثیل، کلام را

شیرین و نمکین می‌کند و

این مستلزم آشنایی خطبای

ارجمند با متون اصلی

ادبیات فارسی است.

توجه آن‌ها به سبک حرف زدن شماست نه به آنچه می‌گویید.

۳- تقلید در سخنوری

از هیچ واعظ موفقی تقلید نکنید. اگر مرحوم فلسفی رحمته‌الله در طرز سخن گفتن خودش موفق بود، اجازه دهید این سبک سخن گفتن برای خود ایشان محفوظ بماند. اگر شما در تقلید کردن بسیار هم موفق باشید، تازه خود را از صحنه حذف کرده، خود را در حد یک ضبط صوت پایین آورده‌اید. بازگوکننده‌ی سخنرانی آقای فلسفی شده‌اید و این جفائست که یک سخنور به خودش می‌کند و خود را هیچ دانسته، قدرت ابتکار را از خود نفی می‌کند و خود را عکس برگردان سخنرانی دیگری معرفی می‌کند.

معمولاً کسانی که به فکر تقلید از سخنران‌های موفق و مشهور برآمده‌اند، سخنران موفق و مشهوری نشده‌اند.

هر کس باید راه خود را طی کند. البته در سخنرانی‌های دیگران نکته‌های آموزنده، بسیار است.

اگر سخنران به فکر این باشد که طنین کلام یک واعظ معروف را تقلید کرده، توقف‌های او، صحبت کردن او و در واقع منبر او را حفظ کند و تحویل دهد، موفق نخواهد شد. اصلاً به فکر تقلید از کسی در سخنرانی نباشید اما به فکر آموختن باشید.





۴- آوردن کلمات و جملات مترادف

گاهی سخنران برای القای یک معنا، چندین کلمه‌ی زاید را در کنار هم ردیف می‌کند مانند، خوب، نیک، پسندیده، مستحسن و ... در این صورت ممکن است از نظر افراد بصیر و خبیری که شنونده‌اند، حمل بر این شود که گوینده می‌خواهد وقت کثی کند و این اثر منفی در شنونده می‌گذارد.

محتوای سخن، بایدها و نبایدها

تاکنون به نکاتی در مورد ظاهر کلام اشاره کردیم. اینک به بایدها و نبایدهای مضمون و محتوای سخنرانی می‌پردازیم:

الف - بایدها

۱- عالمانه سخن گفتن

عالمانه سخن گفتن همان اندازه در مادّه و محتوای سخنرانی اهمیت دارد که درست سخن گفتن در ظاهر و صورت آن. باید توجه کرد که بی‌مایه فتیر است و هرکس اهل سخنرانی است، باید حداقل به اندازه‌ی ساعاتی که برای مردم حرف می‌زند، مطالعه کند. خطیب باید دائماً مطالب جدید به ذهن خود اضافه کند و حرف تازه بزند.

۲- براساس منطق و خردمندی سخن

گفتن

قرار دادن محور سخنرانی براساس منطق و عقل و خردمندی و خردورزی و در حاشیه قرار دادن جنبه‌های عاطفی و

هیجانی، باید دیگری است که لازم است به آن توجه شود. جاده‌ی اصلی سخن باید جاده‌ی عقل، منطق و استدلال باشد.

چیزی که در مستمع اثر ماندگار و پایدار دارد، استدلال است. البته برای تأثیر بیشتر کلام باید از انگیزه‌های گوناگون و برانگیختن عواطف استفاده کرد و این هنر سخنران است اما همان طور که استواری ساختمان، به اسکلت آن است نه به کاشی‌کاری و ... استواری سخنرانی نیز به استدلال و منطق وابسته است. اگر پنجاه سال دیگر نیز کسی سخنرانی مستدل امروز را شنید، در جانش می‌نشیند.

۳- متناسب با مقام و مقال سخن گفتن

سخنران باید بداند که برای چه کسی صحبت می‌کند و کجا صحبت می‌کند؟ چه موقع دارد حرف می‌زند، در چه شرایطی سخنرانی می‌کند، برای روستایی صحبت می‌کند، برای جوان سخن می‌گوید، برای پیر صحبت می‌کند، در دانشگاه صحبت می‌کند و یا در حوزه صحبت می‌کند.

هر جمع و جمعیتی به اقتضای وضع خودشان فرهنگی دارند و سخنگو باید فرهنگ شنونده را مراعات کند. می‌توان آیه‌ی شریفه‌ی (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه) را از لسان به معنای ظاهری زبان، به فرهنگ تسری داد. زیرا بین زبان و

فرهنگ ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ یعنی، هر سخنرانی مثل هر رسولی باید فرهنگ جامعه‌ی خودش را رعایت کند.

۴- استفاده‌ی بایسته از قرآن و حدیث بهترین راه برای تنظیم یک سخنرانی دینی، آغاز کردن آن با آیات قرآن و استفاده از منابعی مانند نهج البلاغه، صحیفه‌ی سجاده‌ی و کتب حدیث است. از خطیب دینی انتظار می‌رود که معارف دینی را عرضه کند. باید با انس با قرآن و ارتباط دائمی با آن و مراجعه به تفاسیر، مطالب را با شرح و تفسیر قرآن به مردم عرضه کرد و از معارفی مثل نهج البلاغه و کتب حدیث نباید غافل شد.

۵- موعظه کردن

از موعظه نباید غفلت کرد. بزرگان دینی ما و از جمله استاد شهید مطهری به آن عنایت کرده و بر آن تأکید می‌کردند.

۶- آشنایی با مباحث روز

آشنایی با مسائل و مباحث روز در سطح ملی و بین‌المللی، و معاصر مخاطبان خود بودن، ضرورتی دیگر برای سخنرانی است. گوینده باید با مخاطبان خود معاصر باشد تا بتواند هم زبانی برقرار کند.

ب: نیایدها

۱- بدون مناسبت و آمادگی، به صورت تصنعی وارد مباحث علوم روز و فنی

نشوید.

اگر خطیب بر یک مطلب علمی احاطه داشته باشد و با رعایت تناسب آن مطلب با محتوای سخن و مقام جلسه بدان استشهاد کند، نیکو است. گاهی دیده می‌شود در محفلی که استادان دانشگاه نشسته‌اند، سخنران می‌خواهد در موضوع مورد تخصص آن‌ها و خارج از تخصص خودش مطلبی بگوید، طبیعی است که احتمال لغزش در این جا زیاد است.

۲- بالاتر از سطح درک و نیاز مخاطب سخن نگوئیم.

۳- از این شاخه به آن شاخه نپریم که چیزی در دست شنونده باقی نمی‌ماند.

۴- از حرف‌های کهنه و خرافی پرهیز کنیم.

مطالبی که پذیرش آن دشوار است - ولو این که با استدلال‌های پیچیده‌ای قابل توجیه باشد - و مطالب دور از ذهن را حتی الامکان بیان نکنیم. مخصوصاً برای جوان‌ها، دانش‌آموزان و دانشگاهیان نباید مطالبی را گفت که همراه با یک فایده، چندین ضرر دارد و سوالات فرعی ایجاد می‌کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

